

چند پرسش صادرات محور از رئیس جمهور آینده

نویسنده: دکتر پدram سلطانی

در آستانه انتخابات دهم ریاست جمهوری قرار داریم و گروه های مختلف به تناسب دغدغه ها و مطالبات خود، پرسش هایی را از نامزدها مطرح می کنند. یکی از حوزه هایی که در تعیین سرنوشت اقتصاد کشور اهمیت خاصی دارد صادرات غیرنفتی است و توجه عملی و به دور از شعار به این بخش باید در زمره اولویت های کاری اقتصادی هر رییس جمهوری باشد.

پرسش اساسی که در واقع مشخص کننده رفتار دولت ها با صادرات است و به اعتقاد نگارنده در پیچه ورود به پرسشگری از نامزدهای احراز کرسی اول مدیریت اجرایی کشور است، این است که آیا به صادرات در قالب برنامه یک رییس جمهور برای یک دوره چهارساله باید نگاه کرد یا به عنوان یک فرهنگ در بستر رشد و توسعه اقتصاد؟ پاسخ این نخستین پرسش را خودم می دهم. اگر در قالب یک برنامه به صادرات نگاه شود، در کشوری که روسای جمهور و نامزدهای انتخابات آن مشخصا خاستگاهی از مکاتب مختلف فکری در اقتصاد ندارند، پاسخ هایی که به سوالات می دهند عموماً مانند هم است، زیرا ریشه پاسخ ها به تفکرات اقتصادی بازمی گردد، بلکه از جریان ها و اقتضانات روز جامعه در این حوزه گرفته برداری می شود. اما اگر به عنوان یک فرهنگ به صادرات نگاه شود آنگاه امکان طرح سوالاتی که مبنای افتراق نظر نامزدها می تواند باشد، فراهم می شود.

فرهنگ صادراتی اقتضا می کند که کشور خود را مستغنی از جهان احساس نکند، زیرا مشتری کالای صادراتی، کشورهای دیگرند و ارتباط خوب و مداوم با مشتری از اصول یک فروشنده حرفه ای است. در سال های گذشته اهمیت ندادن به فرهنگ صادرات موجب شده است که ما نگاه مشتری مدار به جهان نداشته باشیم و همه روابط را از دریچه سیاست نگاه کنیم. نتیجه این نگاه افزایش تنش با جامعه بین المللی و کاهش سطح و عمق روابط با بسیاری از کشورهای بازار هدف ما بوده است. پرسش اول این است که نامزدهای ریاست جمهوری در صورت انتخاب چه برنامه ای برای بهبود و تقویت روابط ما با جامعه بین الملل دارند؟

نکته بعدی این است که یک فروشنده موفق فروشنده ای است که دائماً در حال فعالیت و جنب و جوش برای معرفی کالای خود، سنجش نیازهای بازار هدف و جلب نظر مشتری باشد. در صحنه فروش جهانی صادرکننده برای تحقق این امر نیاز به رفت و آمد مکرر به کشورهای دیگر دارد. بر اساس گزارش یکی از موسسات معتبر بین المللی در سال میلادی گذشته، گذرنامه ایرانی از لحاظ اعتبار برای ورود به کشورهای دیگر بدون اخذ روادید در بین ۱۹۴ کشور جهان جایگاه ۱۹۳ را به خود اختصاص داده است. صرف نظر از تبعات منفی دیگری که این جایگاه ناشایست برای شهروندان کشورمان به همراه دارد، برای یک صادرکننده مسافرت کاری به کشورهای دیگر را در مقایسه با رقبای ترک و عرب و هندی و چینی و... خود مشکل تر و زمان برتر می کند. صادرکننده همین مشکل را در زمان شرکت در نمایشگاه های جهانی، بازدید از نمایشگاه ها و پیگیری کارهای خود در بازارهای هدف نیز دارد. در کنار این نقیصه بزرگ، ایران در دو دهه گذشته با سرعت اهمیت خود را به عنوان یک مقصد و مبدا پروازهای بین المللی حتی در مقایسه با کشورهای کوچک منطقه مانند امارات، قطر و بحرین از دست داده است. صادرات در همه جای دنیا یعنی تحرک بین المللی و سهولت دسترسی به بازارها. امروز امیرنشین کوچک دبی از برکت بودن این فرصت از کشور پهناور ایران به درآمدهای نجومی دست یافته است و شاهدیم که بیشترین حجم واردات کشور ما نه از کشورهای بزرگ دنیا بلکه از همین امیرنشین کوچک صورت می گیرد. پس پرسش دوم این است که: رییس جمهور آینده برای ارتقای اعتبار گذرنامه ایرانی و افزایش توان و اهمیت ایران در شبکه جهانی حمل و نقل چه اقداماتی به عمل خواهد آورد؟

در سی سال گذشته از انقلاب بی توجهی به نقش و اهمیت پیمان های تجاری و اقتصادی دو و چند جانبه باعث شده است که ما جزو معدود کشورهای دنیا باشیم که در هیچ پیمان تجاری موثری عضو نباشیم. این کاستی موجب شده است تا امکان گشایش آسان تر بازارها و استفاده از تعرفه های ترجیحی برای صادرکنندگان ایرانی فراهم نباشد. چهار سال از پذیرش ایران به عنوان عضو ناظر در سازمان جهانی تجارت می گذرد و در این مدت کوچک ترین قدمی برای شروع مذاکرات عضویت ایران در این سازمان برداشته نشده است. لذا پرسش بعدی این است که آیا نامزدهای ریاست جمهوری اعتقاد به عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت دارند؟ و آیا ایشان برنامه ای برای پیوستن ایران به باشگاه های تجاری منطقه و دنیا تنظیم کرده اند؟ یکی از مسائلی که همیشه در کشور به صادرکنندگان لطمه وارد آورده و در چهار سال گذشته نیز تشدید شده است، قربانی کردن صادرات به بهانه تنظیم بازار داخلی بوده است.

مشکلی که برای صادرات سیمان در چهار سال گذشته به وجود آمد و فرصت‌های بی‌بدیلی را از کارخانه‌های سیمان برای افزایش سودآوری و توسعه گرفت، همین برخورد سلبی با صادرات سیمان بود. پرسش این است که آیا رییس‌جمهور آینده قصد ادامه سیاست برخورد با صادرات به بهانه تنظیم بازار داخلی را دارد؟ نرخ واقعی ارز همیشه یکی از مسائل مورد انتقاد صادرکنندگان بوده است. عموماً در زمان‌هایی که قیمت نفت بالاست، دولت به دلیل افزایش درآمدهای ارزی خود و سعی در فروش آن به بازار تا حد ممکن، قیمت ارز را به صورت غیرواقعی پایین نگه می‌دارد. با توجه به اینکه اقتصاد ایران همواره یک اقتصاد تورمی و نرخ تورم در کشور همیشه دو رقمی بوده است، پایین نگه داشتن نرخ ارز همراه با تورم بالا موجب توان فرسای روزافزون صادرات ایران در رقابت با جهان شده است. در این خصوص این پرسش از نامزدهای ریاست جمهوری مطرح است که؛ چه سیاست ارزی را پیش خواهید گرفت تا صادرات و تولید داخلی فدای ارز حاصل از نفت و تامین کسری بودجه دولت نگردد؟ و نکته آخر اینکه کشوری می‌تواند به رشد پایدار صادرات خود امیدوار باشد که زمینه را برای رشد پایدار تولید فراهم کرده باشد. زیرساخت‌ها و لوازم تولید در کشور ما ضعیفند، بنابراین امکان توسعه بیشتر تولید صادراتی وجود ندارد. در سال‌های گذشته ما صرفاً در بخش‌هایی مانند پتروشیمی و فولاد که از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان دولتی رشد چشمگیری پیدا کرده‌اند، توانسته‌ایم صادرات خود را رشد دهیم. با نگاه عمیق‌تر به دیگر حوزه‌های تولید و صادرات متوجه می‌شویم که صادرات در این بخش‌ها از رشد مشابه پتروشیمی یا فولاد و پایداری رشد برخوردار نیست. بنابراین رییس‌جمهور آینده باید به این پرسش پاسخ دهد که؛ برای تقویت تولید در بخش‌های دیگر دارای مزیت (به غیر از پتروشیمی و فولاد) چه کار خواهد کرد؟ پاسخ به پرسش‌های بالا با فرض اینکه نامزدها به شعار یا وعده نپردازند می‌تواند تا حدی بیانگر تفکر اقتصادی ایشان و نوع نگاهشان به صادرات و تعامل اقتصادی با دنیا باشد. اگر نامزدها فرهنگ صادرات را به درستی دریابند می‌توان انتظار داشت که مسیر رفتار اقتصادی ایشان مستقیم و جهت‌دار باشد و رفتارهای اقتصادی ضد و نقیض که تا به امروز کم‌هم نبوده است، کنار گذاشته شود.